



۲۰۲۰/۰۷/۱۷



غوټ جانباز

اسرار دیپلوماسی و روابط افغانستان با اضلاع متحده امریکا

فصل دوم

قسمت یازدهم

امریکا افغانستان را به رسمیت می شناسد
افزایش توجه ایالات متحده امریکا به افغانستان در آستانه و طی سالهایی جنگ دوم
جهانی

۴۶

چون ارسال اسلحه از طریق کشور بر ما (کشور مذکور اکنون به نام میانمار یاد میشود) به چین و از خاک ایران به اتحاد شوروی می توانست در اثر پیروزی های نظامی جاپان در حوزه جنوب شرق آسیا و حملات تعرضی آلمان در ناحیه قفقاز و فرا قفقاز برهم بخورد، در رهنمودها به کارمندان سفارت امریکا در کابل هدایت داده می شد تا برای کسب موافقت افغان ها و جلب همکاری آنها به منظور ایجاد مسیرهای جدید انتقال تسلیحات از طریق قلمرو افغانستان به چین و اتحاد شوروی زمینه سازی نمایند. دفتر لوی درستیز قوای مسلح امریکا در این میان حتی طرح اعمار راه آهن را که قرار بود خطوط ریل اتحاد شوروی را با هندوستان (از طریق افغانستان) وصل نماید بررسی می کرد. (۲۷)

بدین ترتیب افغانستان در کوتاه ترین مدت اهمیت عظیمی ستراتیژیک برای امریکا پیدا کرد. اما انجام وظایفی که در برابر سفیر "اینگیرت" قرار داشت کار سهلی نبود.

افغان ها از دوستی با امریکا خشنود بودند، اما وابستگی های موجود به آلمان و روابط تنگاتنگ با انگلستان، موانعی را در مسیر نزدیکی با امریکا ایجاد می کرد.

هنگامیکه مغلوبیت آلمان نازی در جنگ، دیگر سؤال برانگیز نمی نمود، مسأله مذکور تأثیر دو گانه ای بالای اوضاع می گذاشت. از یک طرف نیاز به ایجاد راه های ریزرفی برای انتقال بارها به چین و اتحاد شوروی از میان می رفت و کسب مؤافقت افغانستان در این زمینه دیگر کار نبود.

از جانب دیگر افغانستان هر چه فعالتر اشاره می کرد که خواستار همکاری نظامی با امریکا و متحدین آن می باشد. در تابستان ۱۹۴۴ آتشه نظامی سفارت امریکا در کابل نامه ایرا از حکومت افغانستان دریافت کرد. در نامه افغان ها از حکومت امریکا می خواستند تا برای آشنایی مزید، پروگرام تدریسی مشهورترین پوهنتون نظامی امریکا، اکادیمی نظامی "ویست پوینت" در اختیار شان قرار داده شود. (۲۸) اندکی بعدتر، حکومت افغانستان از امریکا تقاضا نمود تا کتب پیرامون مسائل نظامی برای شان ارسال گردد. و بالاخره جنرال محمد داوود خان از حکومت امریکا خواهش کرد تا دسته ای از افسران افغان را برای تحصیل در آن کشور بپذیرد و گروهی از متخصصین نظامی خویش را برای آموزش اردوی افغانستان به کابل اعزام دارد. تا آزمون آموزش اردوی افغانستان را از دوره شاه امان الله خان بدین سو مشاورین و نظامیان ترکی به عهده داشتند. امریکایی ها به دو خواهش اخیر افغان ها جواب منفی دادند. این اولین گام در مسیر سلسله از جواب های منفی بود که امریکا به درخواست هایی دوامدار جانب افغان به خاطر همکاری های در عرصه نظامی میداد. (۲۹)

اقتصاد افغانستان مورد توجه خاص سفارت امریکا در کابل قرار داشت. در اثر درگیری جنگ دوم جهانی، افغانستان بازار های با ارزش خود را در کشورهای آلمان، جاپان، ایتالیا، چکوسلواکیا از دست داد. محدود شدن انتقالات از طریق ابحار به علت جنگ جهانی و سایر کمبودی ها، روابط اقتصادی افغانستان را در سطح بین المللی صدمه میزد.

صادرات افغانستان کاهش یافت و نتیجتاً درآمد از درک معاملات تجارت خارجی کم شد. قلت و کمبودی تقریباً هرگونه اجناس و اموال درکشور محسوس بود. اقتصاد افغانستان درگیر بحران شد. سفیر امریکا "اینگیرت" با اراده متین در برابر سیستم بیوروکراتیک ایالات متحده که "هیچگونه مفادی را ازین افغانستان" مشاهده نمیکرد، ایستادگی نمود. او توانست حکومت امریکا را وادار بسازد تا حد اقل اقدامات را برای بهتر شدن وضعیت اقتصادی افغانستان رویدست گیرد. "اینگیرت" ضمناً استدلال میکرد: "متلاشی شدن اقتصاد افغانستان عواقب منفی را برای امریکا و متحدین آن در برخواهد داشت. افزون برآن، افغان ها تمام ملامتی ها را از بابت محرومیت ها و فلاکت های خویش به دوش امریکا و متحدین آن خواهد افگند. دور از امکان نیست که تداوم اوضاع ناهنجار احتمال وقوع قیام ها را در ماورای

خط دیورند بیشتر خواهد ساخت. بروز همچو یک حالتی اوضاع نظامی را برای "متحدین" پیچیده خواهد ساخت." (۳۰)

"اینگیرت" با اتکاء به دیپلماتان جوان و با استعداد در وزارت امور خارجه آمریکا توانست تجارت خارجی آمریکا را با افغانستان فعالتر بسازد. در نتیجه تلاش های وی صادرات صنعتی آمریکا به افغانستان از سر گرفته شد و متقابلاً تولیدات عنعنوی افغانستان در آمریکا صادر می شدند.

ایالات متحده آمریکا بازار اساسی برای فروش قره قل افغانی بود. قره قل، یکی از اجزای عمده صادرات این کشور به حساب میرفت. الی پایان جنگ دوم جهانی به بازارهای آمریکا تا دو میلیون پوست قره قل به آمریکا صادر میشد. (۳۱)

افزایش همکاری های افغانستان با ایالات متحده آمریکا اعتبار و محبوبیت آمریکا را در افغانستان بالا می برد و سفیر آن کشور "اینگیرت" که بدون شک کارهای فراوانی برای تحکیم روابط افغان - آمریکا انجام می داد از حرمت زیاد میان افغان ها برخوردار بود.

یکی از دست آوردهای اساسی سفیر "اینگیرت"، تأمین ارتباطات تنگاتنگ و دوستانه با خانواده شاهی افغانستان و رهبری کشور در گل بود. روابط سفیر "اینگیرت" با سردار محمد هاشم خان (صدر اعظم افغانستان ۱۹۳۳-۱۹۴۶) نهایت دوستانه و صمیمانه بود. آنها وقتاً فوقتاً به خانه یکدیگر به مهمانی می رفتند، غالباً ایام رخصتی را با هم سپری می کردند. "اینگیرت" با خلوص نیت و درک کامل با افغان ها برخورد می کرد. عشق و وابستگی سفیر "اینگیرت" در برابر افغان ها به حدی بود که پس از هشت سال بعد از ختم دوره سفارتش در کابل (۱۹۴۵) مجدداً به این کشور برگشت و برای مدت یک سال (از ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۴) در اولین لیسه عالی افغانستان، لیسه حبیبیه به تدریس پرداخت. (لیسه مذکور در شروع قرن بیست ایجاد گردیده بود)

بعد از ختم جنگ دوم جهانی ایالات متحده آمریکا امکانات وسیعی برای تعمیق و توسعه روابط خود با افغانستان در دست داشت. اما تاریخ طوری دیگری رقم خورد.

ختم فصل دوم

(۴۸)

اولویت های سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا پس از ختم جنگ دوم جهانی

آسیای جنوبی، استقامت مستقل در سیاست خارجی آمریکا

استقامت های اساسی نظامی و سیاسی و همچنان اولویت های سیاست خارجی آمریکا طی سال های جنگ دوم جهانی تدوین یافتند: استقامت اتلاننیک، استقامت اقیانوس آرام، امریکای لاتین. پس از ختم جنگ استقامت

های یاد شده کمافی السابق به حال خود باقی ماندند. استقامت اتلانتیک متشکل از حوزه افریقای شمالی، شرق میانه و شرق نزدیک بود.

سیاست خارجی اتحاد شوروی و همچنان جنگ داخلی در چین که از طرف حزب کمونیست آن کشور و حزب "گومیندان" (حزب طرفدار راه رشد کپیتالیستی و دیموکراسی غربی) به راه انداخته شده بود، عوامل محرکه تدوین و تداوم استقامت های مذکور در سیاست خارجی امریکا بودند.

ختم جنگ دوم جهانی صفحه ای جدیدی را در تاریخ اتحاد شوروی گشود. اتحاد شوروی از جنگ به مثابه یک ابر قدرت غیر قابل انکار بدر آمد. در مقایسه با دوران قبل از جنگ تعداد دولت هایی که اتحاد شوروی با آنها روابط دیپلماتیک برقرار کرد دو برابر افزایش یافت: قبل از جنگ - ۲۶ بعد از جنگ - ۵۲. اما برای اتحاد شوروی تحت رهبری جوزیف ستالین این کمیت کافی نبود.

اندکی قبل از جنگ در سینماهای اتحاد شوروی فلمی به نام "تبعه کبیر" به نمایش گذاشته شد. قهرمان مرکزی این فلم تأکید می کرد: "چی خوب می شد اگر کشور ما پس از یک جنگ جانانه، به عوض پانزده جمهوریت متشکل از چهل جمهوریت می شد..." انکشاف بعدی نشان داد که جوزیف ستالین دقیقاً برای همین هدف فعالیت می کرد، او آرزو داشت تا برخی از کشورها و ملت ها در قاره های مختلف تحت کنترل وی قرار داشته باشند. ستالین از متحدین ضد آلمان نازی تقاضا می کرد تا از مطالبات مسکو در مورد بخشی از خاک ترکیه، و ایجاد پایگاه های نظامی شوروی در تنگه های بوسفور حمایت نمایند. ستالین هکذا خواستار قیومیت شوراها بر یکی از مستعمرات ایتالیا در افریقا و کنترل چهار جانبه (امریکا، اتحاد شوروی، فرانسه و انگلستان) از "رور*" بود (۱)

اتحاد شوروی تا جائیکه و در هر کجائی که امکان داشت تلاش می کرد تا احزاب کمونیستی را در کشورها حاکم بسازد. در نتیجه فعالیت هایی از همین دست مسکو اوضاع در یونان دچار بحران شد. در یونان اعضای حزب کمونیست آن کشور به اشاره مسکو در انتخابات ۱۹۴۶ که به کمک امریکا و انگلستان برگزار می گردید، اجتناب ورزیدند و جنگ داخلی را برای کسب قدرت به راه انداختند. شورشیان کمونیستی کمک های گوناگون منجمله تسلیحات را از بلغاریا و یوگوسلاویا به دست می آوردند. (۲)

در کشورهای اروپای شرقی که به کمک قشون سرخ شوروی از سلطه آلمان نازی رهای یافته بودند، طی سال هایی ۱۹۴۶ - ۱۹۴۸ اتحاد شوروی جبراً حکومت موجود و دیموکراتیک را از قدرت دور ساخته و به عوض آنها احزاب کمونیست را به اقتدار رسانید. بر علاوه جوزیف ستالین در سال ۱۹۴۸ به محاصره کشیدن کامل برلین غربی را آغاز کرد. طی یک سال مکمل تمام نیازمندی های باشندگان برلین غربی توسط طیاره های امریکایی و انگلیسی اكمال می شد.

در اگست ۱۹۴۶ روابط اتحاد شوروی و ترکیه بار دیگر به تیرگی گرائید. حکومت شوروی از ترکیه می خواست تا در نظام عبور کشتی ها از تنگه های بحیره سیاه تجدید نظر نماید و در این رابطه صرف با

کشورهای همسرحد با بحیره سیاه موافقتنامه های همکاری به امضاء برساند. مسکو بر علاوه به انقره پیشنهاد می کرد تا مسأله حفظ و مدافعه تنگه ها به اتحاد شوروی و ترکیه سپرده شود. در یادداشت وزارت امور خارجه اتحاد شوروی در این زمینه قید گردیده بود: " بدینترتیب از استفاده خصمانه تنگه های بحیره سیاه از طرف سائر کشورها جلوگیری صورت خواهد گرفت. "

ترکیه در عکس العمل به درخواست های مسکو خبر داد که حاضر است مسأله مربوط به موقف حقوقی تنگه ها را بررسی نماید، اما پیشنهاد دفاع مشترک را رد کرد. (۲)

پس از پایان یافتن جنگ دوم جهانی اوضاع ایران و اطراف آن خیلی داغ گردیده بود. در سپتمبر ۱۹۴۱ اتحاد شوروی و انگلستان به عنوان یک اقدام پیشگیرانه علیه تحرکات احتمالی آلمان نازی قوای خود را داخل قلمرو ایران نمودند. یکی از دریاها و نواحی در آلمان [Ruhr] یکاز دریاها و نواحی در آلمان.

ادامه دارد..

*** **

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

قسمت های اول تا دهم این نوشته زیبا و تاریخی جناب غوث جانباز نویسنده دانشمند و عاشق افغانستان را با کلیک بر لینک های آریانا افغانستان آنلاین در پایان می توانید مطالعه کنید. تشکر. ولی احمد نوری

http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz_G_aasraar_diplomatie_۰۱.pdf
http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz_Ghaus_asraar_dyplomatie_۲.pdf
http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz_Ghaus_asraar_dyplomatie_۳.pdf
http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz_Ghaus_asraar_dyplomatie_۴.pdf
http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz_Ghaus_asraar_dyplomatie_۵.pdf
http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz_Ghaus_asraar_dyplomatie_۶.pdf
http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz_Ghaus_asraar_dyplomatie_۷.pdf
http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz_Ghaus_asraar_dyplomatie_۸.pdf
http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz_Ghaus_asraar_dyplomatie_۹.pdf
http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz_Ghaus_asraar_dyplomatie_۱۰.pdf

اسرار دیپلوماسی روابط دو جانبه افغانستان و امریکا (قسمت یازدهم)
[Janbaz_Ghaus_asraar_dyplomatie_۱۱.pdf](http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Janbaz_Ghaus_asraar_dyplomatie_۱۱.pdf)